

دو فصلنامه علمی پژوهشی کتاب قیم
سال پنجم (۱۳۹۴)، شماره دوازدهم

بررسی تطبیقی اصطلاح «انجیل» در قرآن و عهد جدید

محمد کاظم شاکر^۱

فاطمه میری^۲

چکیده

تورات و انجیل دو نام بسیار آشنا برای مسلمانان است که بارها در قرآن کریم از آنها بترتیب، به عنوان کتابهای آسمانی یهودیان و مسیحیان نام برده شده است. مسلمانان، مسیحیان و یهودیان همگی در این که «تورات» نام کتابی وحیانی است که خداوند بر حضرت موسی (ع) وحی کرده است اتفاق نظر دارند. اما در مورد این که به کتاب نازل شده بر حضرت عیسی (ع)، «انجیل» گفته می‌شود، بین مسلمانان و مسیحیان اختلاف نظر اساسی وجود دارد. قرآن کریم بارها انجیل را در ردیف تورات و قرآن آورده و این بدان معناست که شأن انجیل در آیین مسیحیت همان شأن قرآن در اسلام و تورات در یهودیت است. اما مسیحیان از اساس، منکر آن هستند که عیسی (ع) مانند دیگر پیامبران، کتابی به نام انجیل داشته است. آنها معتقدند که گناه اولیة آدم باعث سلب حیات جاوید از آدم و بنی آدم شد. بر این اساس، «انجیل» از دیدگاه الهی دانان مسیحی، مژده به بازگشت حیات جاوید به انسان است که از طریق تجسد، تصلیب و رستاخیز عیسی مسیح و ایمان بدان، حاصل شده است.

پژوهش حاضر در صدد اثبات این مطلب است که آنچه امروزه در میان مسیحیان به «انجیل» نامبردار است امری کاملاً الهیاتی است که با گذشت مدت‌های مدید از ظهور حضرت عیسی (ع)، توسط برخی الهی دانان مسیحی، وارد این آیین شده است و بعکس، تعبیر «انجیل» مطابق با کاربرد قرآنی آن، با متون اولیة مسیحیان سازگاری بیشتری دارد. ادعایی که با بررسی و تحلیل تمام موارد کاربرد انجیل در متن یونانی عهد جدید، به اثبات می‌رسد.

واژگان کلیدی: تفسیر تطبیقی، انجیل، انجیل قرآنی، انجیل یونانی، [اناجیل اربعه]، عهد جدید.

۱. استاد دانشگاه علامه طباطبایی (نویسنده مسئول) / mk_shaker@yahoo.com

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه قم / fateme.miri66@gmail.com

۱- طرح مسأله

تورات و انجیل، دو واژه هم‌جوار در قرآن هستند که اولی نام کتاب آسمانی حضرت موسی (ع) و دومی نام کتاب آسمانی حضرت عیسی (ع) است. علاوه بر یهودیان، مسلمانان و مسیحیان هر دو بر این باورند که «تورات» کتابی است که به حضرت موسی (ع) وحی شده و مجموعه‌ای وحیانی برای بنی اسرائیل بوده است، همان‌گونه که قرآن کتاب آسمانی مسلمانان است که بر حضرت محمد (ص) نازل شده است. اما دیدگاه مسلمانان و مسیحیان در مصداق انجیل حضرت عیسی، کاملاً متفاوت است.

مسلمانان بر این باورند که انجیل، همانند تورات و قرآن، کتابی آسمانی است که خداوند آن را بر حضرت عیسی (ع)، وحی کرده است؛ اما مسیحیان انجیل را از جنس کتاب و وحی آسمانی که حاوی آموزه‌های پیامبرانه باشد نمی‌دانند، بلکه آن را مؤذنه نجات و حیات جاودانی می‌دانند (میشل، ۱۳۸۷، ص ۲۸). آنها معتقدند که مسیح خود عین وحی و پیام الهی بوده و نیازی نداشته که کتابی از خود به یادگار بگذارد (مک الوی میلر، ۱۳۸۲، ص ۶۶).

مسیحیان در بیان حقیقت انجیل می‌گویند عیسی (ع)، با تحمل آلام و مصائب و مردن بر صلیب، کفاره گناه انسان شد و این همان «انجیل» و خبر خوش نجات است که مسیح آن را برای انسان به ارمغان آورد. از نظر مسیحیان، آنچه اکنون نزد مسیحیان، به انجیل چهارگانه معروف است مصداقی برای انجیل حضرت عیسی نیست؛ بلکه صرفاً نامی است که از پایان سده دوم میلادی، به نوشته‌هایی که زندگی، معجزات، تعالیم، سیره، سخنان و صعود عیسی (ع) به آسمان را گزارش کرده، اطلاق شده است (Gale, 2003, V6, p367). آنان معتقدند که نویسندگان این انجیل‌ها با الهام الهی، آن را نگاشته‌اند. بنابراین، نه این چهار کتاب و نه هیچ کتاب دیگری از آن حضرت عیسی نیست، بلکه این نوشته‌ها از آثار مسیحیان است که درباره عیسی نوشته‌اند و احیاناً در ضمن آنها سخنانی را از او نیز نقل کرده‌اند. همچنین، در بسیاری از نوشته‌های عهد جدید از جمله، انجیل اربعه، از انجیل عیسی مسیح نیز یاد شده است.

با توجه به این که برداشت مسلمانان و مسیحیان درباره انجیل متفاوت است و با در نظر گرفتن این موضوع که مسیحیان آگاه از دیدگاه قرآن درباره عیسی و انجیل، معرفی انجیل به عنوان کتاب آسمانی نازل شده بر عیسی (ع) و ابلاغ آموزه‌های آن به وسیله وی به مردمان عصر خویش را بر نمی‌تابند و گزارش‌های قرآن درباره مسیحیت و انجیل را مطالبی سطحی و احتمالاً، برگرفته از عقاید فرقه‌ای کوچک از مسیحیان جزیره العرب می‌پندارند (مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۳، ج ۴، ص ۴۵۴)، بررسی انجیل در قرآن و عهد جدید درخور پژوهش به نظر می‌رسد.

۲- دیدگاه قرآن درباره انجیل حضرت عیسی (ع)

لفظ «انجیل» دوازده مرتبه در شش سوره قرآن کریم ذکر شده است. این آیات عبارتند از: (آل عمران: ۳/۳، ۴۸ و ۶۵؛ مائده: ۵/۴۶، ۴۷، ۶۶، ۶۸ و ۱۱۰؛ اعراف: ۷/۱۵۷؛ توبه: ۹/۱۱۱؛ فتح: ۴۸/۲۹ و حدید: ۲۷/۵۷). همگی این سوره‌ها به جز سوره اعراف، مدنی هستند. در این آیات، از انجیل به عنوان کتابی آسمانی سخن به میان آمده است.

بطور کلی، موارد کاربرد واژه «انجیل» در قرآن را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

۱. مواردی که به انجیل اصلی اطلاق شده و آن، وحی‌هایی است که حضرت عیسی (ع) از خداوند دریافت کرده است. عبارتی مانند ﴿آتَيْنَاهُ الْإِنجِيلَ﴾ (مائده: ۴۶/۵) به روشنی گواه بر این مطلب است؛

۲. مواردی که به انجیل موجود در عصر نزول قرآن اطلاق شده است - مانند اشاره قرآن به وجود اوصاف پیامبر اسلام در تورات و انجیل (اعراف: ۷/۱۵۷) و یا موردی که در آن، قرآن، مسیحیان را دعوت می‌کند تا به اجرای آنچه خداوند در انجیل برای آنان نازل کرده بپردازند و مطابق احکام و مقررات انجیل، قضاوت کنند (مائده: ۵/۴۷، ۶۶، ۶۷؛ ر. ک. شاکر، ۱۳۸۴، ص ۷۶).

قرآن کریم به گونه دیگری نیز این دو کاربرد را تأیید کرده است: با دقت در آیات مربوط به این موضوع، دانسته می‌شود که تصدیق قرآن در آیاتی که در برگزیده تعابیری چون ﴿الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ﴾ و ﴿مَا بَيْنَ يَدَيْهِ﴾ هستند - مانند: بقره: ۲/۹۷؛ آل عمران: ۳/۳؛ مائده: ۵/۴۸؛ یونس: ۱۰/۳۷؛ یوسف: ۱۲/۱۱۱؛ فاطر: ۳۱/۳۵ و احقاف: ۴۶/۳۰ - به معنای گواهی دادن قرآن بر نزول الهی تورات و انجیل واقعی و تأیید همه آموزه‌های آن دو است. اما در آیاتی که تعابیری چون ﴿لَمَّا مَعَكُمْ﴾ و ﴿لَمَّا مَعَهُمْ﴾ به کار رفته و اشاره به اهل کتاب (یهود و نصارا) است - مانند: نساء: ۴۷ و نیز بقره: ۲/۴۱، ۹۱ - اشاره به تورات و انجیل موجود در عصر نزول است که در دست اهل کتاب بوده است (مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۳، ج ۴، ص ۴۵۴).

قرآن مجید در مورد انجیل واقعی، تصریح می‌کند که آن، وحی الهی بوده که خداوند بر عیسی (ع) نازل کرده است (حدید: ۲۷/۵۷، مائده: ۴۶/۵). در قرآن، همچنین، تأکید شده که عیسی، پسر مریم، به دنبال ارسال دیگر پیامبران، به رسالت مبعوث شده و به ایشان انجیل عطا گردیده است (حدید: ۲۵ و ۲۷/۵۷؛ مائده: ۴۶/۵). بنابراین، می‌توان گفت که انجیل در شریعت عیسی، همان شأنی را داراست که تورات در شریعت موسی و قرآن در شریعت اسلام، دارد. به همین

دلیل، در قرآن، هشت بار از انجیل به عنوان زوج تورات، (آل عمران: ۳/۳، ۴۸؛ مائده: ۵/۶۶، ۶۸، ۱۱۰؛ اعراف: ۷/۱۵۷؛ توبه: ۹/۱۱۱) و دوبار (آل عمران: ۳/۳؛ توبه: ۹/۱۱۱) در کنار تورات و قرآن از آن یاد شده است.

از نظر قرآن کریم، انجیل کتاب نور و هدایت (مائده: ۵/۶۶) و حاوی موعظه برای تقوا-پیشگان است (مائده: ۵/۶۶). همچنین، در انجیل، احکام و فرمان‌های الهی نیز آمده است (مائده: ۵/۶۷؛ آل عمران: ۳/۵۰). با این حال، این احکام به گونه‌ای نبوده است که خود به تنهایی، حاوی یک شریعت کامل الهی باشد و از این رو، در دو آیه از قرآن کریم، تصریح شده که خداوند تورات و انجیل را توأمان، به حضرت عیسی (ع) تعلیم داده است (آل عمران: ۳/۴۸؛ مائده/۱۱۰). بعلاوه، قرآن تصریح می‌کند که هم خود حضرت عیسی و هم انجیلش گواه صدق تورات و آموزه‌های آن هستند (مائده: ۳/۶۶). با توجه به درون مایه این آیات کریمه، برخی مفسران بر این نظرند که انجیل از نظر احکام و دستورات دینی، چیزی جز امضای شریعت تورات ندارد و تنها در مواردی، ناسخ احکام آن بوده است (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۲۰۱). در ادامه بحث به بررسی مفهوم «انجیل» در نگاه‌های عهد جدید پرداخته می‌شود.

۳- مراد از اصطلاح «انجیل» در نوشته‌های عهد جدید

از نظر مسیحیان، متونی که توسط یکی از رسولان حضرت عیسی (ع) نوشته شده، و یا مورد تأیید یکی از آنان قرار گیرد، «نوشته‌های رسولی» (Apostolic writings) نامیده شده و معتبر می‌دانند. از همین رو، بین سال‌های ۳۳ میلادی - زمانی که عیسی (ع) به آسمان عروج کرد - تا سال ۱۰۰ - سالی که آخرین حواری حضرت عیسی یعنی یوحنا از دنیا رفت - «عصر رسولی» گفته می‌شود (Herberman and Others, 1912, V5, p223) نوشته‌های برجای مانده از رسولان و شاگردان مسیح (ع) که امروزه با نام «عهد جدید» شناخته می‌شوند در چهار دسته «خاطرات رسولان»، «اعمال رسولان»، «نامه‌های رسولان» و «مکاشفات رسولان» طبقه‌بندی شده‌اند. در این میان، قدمت تاریخی بخش مربوط به نامه‌ها از همه بیشتر است؛ اما از آنجا که انجیل (خاطرات رسولان) درباره حضرت عیسی (ع) و اعمال و اقوال اوست آن را در ترتیب مقدم داشته‌اند.

چهار کتاب آغازین عهد جدید که تا پایان سده دوم میلادی، به «خاطرات رسولان» نام‌بردار بودند (آشتیانی، ۱۳۸۲، ص ۳۲) و از آن تاریخ به بعد به «انجیل» موسوم و نام‌گذاری شدند (Gale, 2003, V6, p367) معروف‌ترین بخش عهد جدید هستند. «انجیل متی» اولین انجیل

عهد جدید است که مسیحیان آن را به یکی از دوازده حواری به نام «متی»، نسبت می‌دهند و گفته شده متی این انجیل را برای یهودیانی که به دین مسیح ایمان آوردند نگاشته است (الشیخ، ۱۴۲۵، ص ۲۹). خبرگان کلیسا مدّت‌ها، این انجیل را قدیمی‌ترین رساله از اناجیل چهارگانه می‌دانستند؛ اما پس از آغاز نقّادی‌ها در عصر جدید، محقّقان، نادرست بودن این نظریه را به اثبات رساندند و انجیل مرّقس را مقدم بر نوشته‌های دیگر تشخیص دادند (آشتیانی، ۱۳۸۲، ص ۴۸).

انجیل دوم، یعنی «انجیل مرّقس»، کوتاه‌ترین انجیل است که در شانزده فصل نگاشته شده است (زیبایی‌نژاد، ۱۳۷۵، ص ۷۴/ واحد تدوین کتب درسی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۱۷۹). نگارنده این انجیل از حواریان نبود، بلکه از شاگردان ایشان بود (بوکای، ۱۹۹۰، ص ۸۴).

«انجیل لوقا» سومین انجیل در عهد جدید است که توسط مردی به نام «لوقا» نگاشته شده که مانند مرّقس، از جمله حواریان بود. او پزشکی یونانی بود که با «پولس» (Paul) آشنا و با او همسفر گردید. لوقا را به عنوان یار و یاور غیر یهودی الاصل پولس رسول معرفی می‌کنند (زیبایی‌نژاد، ۱۳۷۵، ص ۷۴).

چهارمین انجیل، «انجیل یوحناست» که با سه انجیل دیگر بسیار تفاوت دارد. نوعاً، عبارت‌هایش مانند آن سه متن دیگر، طولانی نیست و محتوایش نیز اغلب با آنها همخوانی ندارد (لوفمارک، ۱۳۸۵، ص ۷۱). درباره نگارنده این انجیل نیز اختلاف نظر وجود دارد. سه انجیل اوّل از این اناجیل یعنی متی، مرّقس و لوقا انجیل‌های «هم‌گون» نامیده می‌شوند؛ زیرا که به گونه‌ای مشابه، به زندگی و سخنان عیسی (ع) پرداخته‌اند و در لحن و ساختار نیز به هم شباهت دارند. ویژگی مهمّ این سه کتاب این است که عیسی در آنها الوهیت ندارد؛ اما انجیل یوحنا به دلیل اختلاف چشم‌گیر با سایر اناجیل، انجیل «غیر هم‌گون» نام نهاده شده است (رابرتسون، ۱۳۷۸، ص ۲۰).

دسته دوم از نوشته‌های مسیحیان، «اعمال رسولان» است. افرادی همچون لوقا به ثبت و گزارش شرح حال حواریان و اعمال ایشان پرداخته‌اند. نوشته‌های متعدّدی با عنوان «اعمال رسولان» وجود دارد که از میان آنها، تنها اعمال رسولان نگاشته شده توسط لوقا در مجموعه عهد جدید پذیرفته شده است. سایر کتاب‌ها مثل «اعمال پطرس»، «اعمال پولس»، «اعمال یوحنا»، «اعمال اندریاس» و «اعمال توماس» که احتمالاً، همگی در اواخر سده دوّم نگاشته شده‌اند، ضمن کتاب مقدّس قرار نگرفته است (میشل، ۱۳۸۷، ص ۵۲). با گسترش مسیحیت و شیوع عقاید

جدید درباره حضرت مسیح (ع)، شماری از حواریان و شاگردان به تدوین و نگارش کارها و سخنان و مهم‌ترین قسمت‌های زندگی آن حضرت پرداختند. برخی از این نویسندگان مسیح را از نزدیک دیده یا شناخته بودند و برخی نیز از طریق گروه قبلی، با زندگی و تعالیم وی آشنا شده بودند (همان، ص ۴۳). این نوشته‌ها تا نیمه اول سده دوم در هیأت‌های مسیحی و در اوقات عبادات، «خاطره‌های رسولان» خوانده می‌شد و در اواخر سده دوم، نام «اوانگلیون»^۱ یا انجیل بر آنها اطلاق شد (آشتیانی، ۱۳۸۹، ص ۳۲).

دسته سوم از مکتوبات اولیه مسیحیان، نامه‌های رسولان است. نوشته‌های «پولس» اولین آثار مضبوط کُنن (Canon/ نوشته‌های قانونی) مسیحیت است. او نامه‌هایی را برای تثبیت مجامع اولیه مسیحی تحریر نمود و پیام عیسی مسیح (ع) را به صورت نامه‌هایی برای هیئت‌های مختلف مسیحی در سراسر جهان نگاشت. پولس بیشتر این نامه‌ها را به کلیساهای محلی که با آنها ارتباط برقرار کرده بود، فرستاد؛ مانند کلیساهای رم، قرنتس، غلاطیه، آفسس، فیلیپی، کورنسی و تسالونیک. سایر نامه‌ها را نیز برای اشخاصی خاص فرستاد؛ مانند تیموتائوس (Timothy)، تیطوس (Titus) و فلیمون (Philemon). از رسولان دیگر نظیر برنابا (Barnabas)، یوحنا (John)، کلمنت (Clement)، یعقوب (James)، یهودا (Judas) و پطرس (peter) نیز رساله‌هایی برجای مانده است.

از میان این آثار باقی‌مانده، علاوه بر نامه‌های پولس، سه نامه کوتاه از یوحنا رسول، یک نامه از یعقوب، دو نامه از پطرس، یک نامه از یهودا و نامه‌ای با عنوان «نامه به عبرانیان»، در عهد جدید وجود دارد. اما تعدادی از این نامه‌ها مانند «نامه کلمنت» و «نامه برنابا» امروزه توسط کلیسا در شمار نوشته‌های غیر رسمی و جعلی قرار داده شده است (نک: میشل، ۱۳۸۹، ص ۵۱-۵۸). در مورد دسته چهارم، یعنی «مکاشفات رسولان»، باید گفت قبل از آمدن حضرت عیسی (ع)، مکاشفه‌های متعددی میان یهودیان رواج داشت که «کتاب دانیال» در عهد عتیق، نمونه‌ای از آن است. مسیحیان نیز کتاب‌های مکاشفه‌ای تازه‌ای نوشتند. همچنین برخی از کتاب‌های مکاشفه یهودیان را دست‌کاری و آنها را با آرمان‌های مسیحیان هماهنگ کردند (توفیقی، ۱۳۸۴، صص ۱۶۲-۱۶۳).

کتاب مکاشفه یوحنا که در پایان «عهد جدید» قرار دارد یکی از این آثار است. این کتاب مکاشفه‌ای است درباره حوادث آخرالزمان و در آن، به بحث‌های عقیدتی و تاریخی پرداخته

۱. واژه «Gospel» به معنای انجیل، از لغت یونانی evangelion به معنای خبر خوب گرفته شده است. (ر.ک.

نشده است (سلیمانی اردستانی، ۱۳۸۲، ص ۲۶۷). کتاب‌های مکاشفه‌ای دیگری نیز در حال حاضر وجود دارد که جزو کتاب‌های کُنن محسوب نشده است (میشل، همان، ص ۵۲)، مانند مکاشفه پطرس که در سال ۱۸۹۲ در اخمیم، شمال مصر، به دست آمد و در ضمن آثار «پدران اولیه» نام برده شده بود (آشتیانی، ۱۳۸۹، ص ۴۲).

سران کلیسا در اواخر قرن دوم میلادی، از میان نوشته‌های متنوع و انبوهی که در چهار دسته یاد شده قرار می‌گرفت، شماری را به سبب سازگاری با تعالیم کلیسا و به عنوان کتاب‌های قانونی و معتبر، گزینش کرده و با نام «عهد جدید»، در کنار «عهد قدیم» و به عنوان دومین بخش کتاب مقدس مسیحیان قرار دادند (همان). کارل لوفمارک (Carl Lofmark)، در پژوهش خود با عنوان «کتاب مقدس چیست؟» می‌نویسد: «در طول سده‌های اولیه مسیحیت، مجامع مسیحی برخی از این نوشته‌ها را به عنوان منابع موثق، به رسمیت شناختند و از سده چهارم به بعد، بیشتر رهبران کلیسا موافقت کرده بودند که کدام یک از آنها را می‌توان در مجموعه کتاب مقدس قرار داد. انجمنی از اسقفان، که احتمالاً، در سال ۳۸۲ میلادی در رم برگزار شد، لیست نهایی کتاب‌ها را جهت درج در کتاب مقدس تهیه کرد و آن لیست، مجدداً توسط «مجمع ترنت» در فاصله سال‌های ۱۵۴۵-۷ مورد تأیید قرار گرفت. بنابراین، می‌توان گفت که رهبران مذهبی، کتاب‌های موجود در عهد جدید را از میان شمار بسیار زیادی از کتاب‌های موجود در آن زمان برگزیدند» (لوفمارک، ۱۳۸۵، ص ۵۲).

گرچه مسیحیان از پایان سده دوم میلادی به بعد، اصطلاح «انجیل» را برای دسته‌ای از نوشته‌های مسیحی - که خود بخشی از عهد جدید را تشکیل می‌داد - به کار بردند، اما این اصطلاح در آن زمان، کاملاً، نوپدید بوده است. بنابراین، باید دید که قبل از این واقعه، واژه «انجیل» در متون مسیحی، به چه معنایی به کار می‌رفته است. به طور مثال، در اناجیل اربعه واژه انجیل به طور فراوان به کار رفته است؛ اما در هیچ یک از این موارد، این واژه به معنای کتاب‌های موسوم به انجیل، که قبلاً، خاطرات رسولان نام داشتند، به کار نرفته است.

اصولاً، کاربرد اصطلاح «انجیل» در نوشته‌های عهد جدید، از نظر زمانی، مقدم بر پیدایش نوشته‌های موسوم به «اناجیل» است. بنابراین، باید به این پرسش، پاسخ روشنی داده شود که در نوشته‌های عهد جدید، مانند نامه‌های پولس، اناجیل اربعه، اعمال رسولان یا مکاشفه یوحنا، وقتی واژه «انجیل» به کار می‌رود، مراد از این کلمه چیست و مصداق آن چه می‌تواند باشد.

مسیحیان امروزه، می‌گویند که «انجیل» به معنای مزده در مورد مسیح و سعادت است که او برای بشریت آورده است (Gale, 2003, V6, p366). آنها انجیل با مفهوم قرآنی اش (مجموعه آموزه‌های و حیانی حضرت مسیح ع) را نمی‌پذیرند؛ زیرا آوردن وحی توسط حضرت مسیح (ع) به گونه‌ای که مسلمانان در مورد قرآن و پیامبر اسلام (ص) معتقدند در مسیحیت جایگاهی ندارد. مسیحیان، عیسی (ع) را تجسم وحی الهی می‌دانند و به عقیده آنان، وی نه حامل پیام، بلکه عین پیام بوده است (میشل، ۱۳۸۷، ص ۴۹).

آنان می‌گویند مسیح همان وحی اصلی و کلمه الله در هیأت انسانی است و کتاب مقدس (Bible) یک مکتوب صرفاً، بشری است که شهادت بر این واقعه و حیانی می‌دهد. به بیان دیگر، فعل خداوند در وجود مسیح و از طریق اوست، نه در املائی کتاب معصوم (شمس، ۱۳۸۹، ص ۴۴). در میان پیروان این دین، هیچ کس معتقد نیست که بخشی از عهد جدید یا هر کتاب دیگری را حضرت عیسی (ع) آورده است. همان‌طور که گذشت، سنت به کار بردن واژه «انجیل» به عنوان نام کتاب در اواخر سده دوم میلادی آغاز شد. در این دوران بود که به نوشته‌هایی که حاوی افعال، اقوال و زندگی عیسی (ع) بود، واژه «انجیل» اطلاق کردند (Gale, 2003, V6, p367) تا پیش از آن، نوشته‌های حاوی زندگی‌نامه، افعال و اقوال حضرت عیسی (ع) را «خاطرات رسولان» می‌نامیدند (آشتیانی، ۱۳۸۹، ص ۳۲). مسیحیان معتقدند که واژه «انجیل» نه در انجیل‌های چهارگانه و نه در هیچ جای دیگر عهد جدید به معنای کتاب و یا سند نگاشته شده نیست. عهد جدید نیز هیچ‌گاه از این واژه به صورت جمع (اناجیل؛ که بر اناجیل اربعه و غیر از آن اطلاق شده باشد) استفاده نکرده است (همان، ص ۳۲).

حال که همگی، مسیحیان و مسلمانان در این امر اتفاق نظر دارند که در نوشته‌های عهد جدید، مراد از انجیل، نوشته‌های مسیحیان، موسوم به اناجیل، نیست، دو فرضیه دیگر قوت می‌گیرد:

- فرضیه نخست، این که مراد از «انجیل» در نوشته‌های عهد جدید، همان چیزی است که امروزه مسیحیان آن را حقیقت انجیل عیسی می‌نامند که از جنس وحی و کتاب و گفتار نیست.
- فرضیه دوم این است که نوشته‌های عهد جدید نظریه قرآن در مورد انجیل را تأیید می‌کند که آن را حاوی آموزه‌های و حیانی حضرت عیسی (ع) می‌داند.

۴- بررسی و تحلیل کاربردهای اصطلاح انجیل در نوشته‌های عهد جدید

با توجه به این که زبان یونانی، زبان اصلی نوشته‌های عهد جدید است در این پژوهش، ابتدا معادل یونانی «انجیل» (Ευαγγέλιο) در متن یونانی عهد جدید^۱ جستجو شد و آنگاه، موارد کاربرد و سیاق آنها مورد بررسی و پژوهش قرار گرفت. نتیجه این جستجو چنین شد که واژه انجیل و هم‌خانواده‌های این کلمه در مجموع، ۱۱۸ بار در متن یونانی عهد جدید آمده است. بر اساس ترتیب تاریخی، اولین بار پولس بوده که در رساله‌های خود از این واژه استفاده کرده است. این واژه با بیشترین بسامد در رساله‌هایی که انتساب آنها به پولس قطعی است - نگاشته قبل از سال ۷۰ میلادی - (لوفمارک، ۱۳۸۵، ص ۷۲) به کار رفته است. موارد کاربرد واژه «انجیل» در نوشته‌های عهد جدید به صورت اجمالی و تفصیلی در جداولی که در پی می‌آید، آمده است.

جدول شماره ۱- رساله‌هایی که انتساب آنها به پولس قطعی است:

نام کتاب	رومیان	اول قرنیان	دوم قرنیان	غلاطیان	فیلیپیان
تعداد	۱۴	۱۳	۱۰	۱۴	۹

در نامه‌ها و رساله‌هایی که به پولس منسوب است، اما به احتمال زیاد، توسط یکی از شاگردان او و قبل از سال ۹۰ میلادی نگاشته شده نیز این واژه به کار رفته است.

جدول شماره ۲:

نام کتاب	افسیان	کولسیان	اول تسالونیکیان	دوم تسالونیکیان	فلیمون	عبرانیان
تعداد	۵	۲	۶	۲	۱	۱

در انجیل‌های هم‌گون یعنی متی، مرقس و لوقا، که در حد فاصل بین سال‌های ۷۰ تا ۱۰۰ میلادی نگاشته شده و هم چنین در کتاب «اعمال رسولان» - نوشته شده در حدود سال‌های ۹۰ تا ۱۰۰ م - واژه انجیل به کار رفته است؛ اما در «انجیل یوحنا» این واژه دیده نمی‌شود.

۱. نسخه مورد استفاده در این تحقیق، نسخه موجود بر روی سایت «scripture 4 all» بوده است. هم‌چنین نرم افزار "Interlinear Scripture Analyzer 2. 1 basic" حاوی این نسخه به همراه متن انگلیسی عهد جدید است.

جدول شماره ۳:

نام کتاب	انجیل متّی	انجیل مرّقس	انجیل لوقا	انجیل یوحنا	اعمال رسولان
تعداد	۵	۸	۸	۰	۱۱

در سایر نامه‌های عهد جدید - نگاشته شده بعد از ۹۰ م - و نیز مکاشفه یوحنا الهی - نگاشته شده در حدود ۱۰۰م - این واژه به تعداد بسیار کمی دیده می‌شود.

جدول شماره ۴:

نام کتاب	تیموتائوس اول	تیموتائوس دوم	اول پطرس	مکاشفه
تعداد	۱	۳	۴	۱

در انجیل یوحنا، رساله‌های تیطس، یعقوب، دوم پطرس، سه رساله یوحنا و رساله یهودا هیچ کاربردی از این واژه یافت نشد.

جدول شماره ۵ - فهرست آیاتی که لفظ «انجیل» در آنها آمده است:

نام کتاب	شماره باب و آیه
متّی	۲۶: ۱۳* ۲۴: ۱۴* ۱۱: ۵* ۹: ۳۵* ۴: ۲۳
مرّقس	۱۶: ۱۵* ۱۴: ۹* ۱۳: ۱۰* ۱۰: ۲۹* ۸: ۳۵* ۱۵: ۱* ۱۴: ۱
لوقا	۲۰: ۱* ۱۶: ۱۶* ۹: ۱۶* ۷: ۲۲* ۴: ۴۳* ۴: ۱۸* ۲: ۱۰* ۱۹
یوحنا	ندارد.
اعمال	۲۰: ۲۴* ۱۶: ۱۰* ۱۵: ۳۵* ۱۵: ۷* ۱۴: ۲۱* ۱۴: ۱۵* ۱۴: ۷* ۱۱: ۲۰* ۸: ۲۵* ۸: ۴* ۵: ۴۲
رومیان	۱۶: ۲۵* ۱۵: ۲۹* ۱۵: ۲۰* ۱۵: ۱۹* ۱۱: ۱۶* ۱۱: ۲۸* ۱۰: ۱۶* ۱۰: ۱۵* ۱۰: ۱۵* ۲: ۱۶* ۱۶: ۱* ۱۵: ۱* ۱۵: ۹* ۱: ۱
قرنتیان ۱	۱۵: ۲* ۱۵: ۱* ۱۵: ۱* ۹: ۱* ۹: ۲۳* ۹: ۱۸* ۹: ۱۸* ۹: ۱۶* ۹: ۱۶* ۹: ۱۴* ۹: ۱۴* ۹: ۱۲* ۴: ۱۵* ۱۷: ۱۷
قرنتیان ۲	۱۱: ۱۱* ۱۱: ۷* ۱۱: ۷* ۱۱: ۴* ۱۰: ۱۶* ۱۰: ۱۴* ۹: ۱۳* ۸: ۱۸* ۴: ۴* ۳: ۳* ۱۲: ۱۲
غلاطیان	۴: ۱۳* ۳: ۸* ۲: ۱۴* ۲: ۷* ۲: ۵* ۲: ۲* ۱* ۲۳* ۱: ۱۶* ۱: ۱۱* ۱: ۱۱* ۱: ۱۱* ۹: ۱* ۱: ۸* ۱: ۷* ۶:
افسیان	۶: ۱۹* ۶: ۱۵* ۳: ۸* ۳: ۶* ۱۳: ۱۳
فیلیپان	۴: ۱۵* ۴: ۳* ۲: ۲۲* ۱: ۲۷* ۱: ۲۷* ۱: ۱۷* ۱: ۱۲* ۱: ۷* ۵:
کولسیان	۱: ۲۳* ۵:
تسالونیکیان ۱	۳: ۲* ۲: ۹* ۲: ۸* ۲: ۴* ۲: ۲* ۵:
تسالونیکیان ۲	۲: ۱۴* ۸:

تیموتاؤس ۱	۱۱:۱
تیموتاؤس ۲	۸:۲: ۱۰:۱* ۸:۱
تیطس	ندارد
فلیمون	۱۳:۱
عبرانیان	۲:۴
رساله یعقوب	ندارد
اول پطرس	۴: ۱۷* ۶: ۱* ۲۵: ۱* ۱۲
دوم پطرس	ندارد
اول یوحنا	ندارد
دوم یوحنا	ندارد
سوم یوحنا	ندارد
یهودا	ندارد
مکاشفه	۶: ۱۴

همین بررسی ساده نشان می‌دهد که هرچه به زمان خود حضرت عیسی (ع) نزدیک می‌شویم، اصطلاح «انجیل عیسی مسیح» و یا حتّی «انجیل خداوند» را در متون مسیحی، بیشتر می‌یابیم. به عکس، هرچه از آن دور می‌شویم به جایی می‌رسیم که در کتابی مانند انجیل یوحنا اصلاً، سخنی از انجیل عیسی نیست.

اگر مراد از انجیل در متون مسیحی - آن طور که الهی‌دانان امروز مسیحی می‌گویند - حاصل تجسّد و تصلیب و رستاخیز عیسی (ع) بوده باشد، این امر باید به عکس باشد، یعنی هر چه مسیحیت به سمت «الهیات تجسّدی» گرایش پیدا می‌کند، باید این اصطلاح بیشتر به کار رفته باشد؛ چرا که محور انجیل - به معنای رایج نزد مسیحیان - عقیده به تجسّد عیسی مسیح است. در میان کتب عهد جدید و اناجیل اربعه، انجیل یوحنا به این امر شهره است که الهیاتی‌ترین متن است و نیز در زمره متأخرترین نوشته‌های عهد جدید است تا جایی که برخی آن را مربوط به سال ۱۰۰ میلادی دانسته‌اند (Lofmark, 1990, p28). مهم‌ترین مستمسک نظریه الهیات تجسّدی در فصل نخست انجیل یوحنا آمده است که می‌گوید: «کلمه خدا، انسان (جسم) شد» (یوحنا ۱: ۱۴). همچنین در این انجیل، گفته شده که کسی که به این امر - تجسّد و پسر خدا بودن عیسی - ایمان آورد، مشمول نجات و رستگاری واقع می‌شود (یوحنا، ۱: ۱۲).

۱. The word of God became flesh.

بنابراین، جای این سؤال وجود دارد که اگر نظریه مسیحیان درست باشد که انجیل حضرت عیسی (ع) به معنای وحی نازل شده بر عیسی نیست، بلکه به معنای مژده نجات و رستگاری است که حاصل تجسّد و فدا شدن است، پس چرا در سخنان کسی که خود بنیان‌گذار الهیات تجسّدی و الهیات نجات و رستگاری است - یعنی یوحنا - چنین اصطلاحی حتی برای یک بار هم به کار نرفته است؛ اما در اناجیل همگونی که اصلاً، مسیح‌شناسی‌اش با مسیح‌شناسی انجیل یوحنا فرق دارد - یعنی مسیح به عنوان انسان و پسر انسان مطرح شده است و نه به عنوان خدا و پسر خدا - از انجیل عیسی مسیح سخن گفته است؟! علاوه بر این، چرا در سخنان پولس که او نیز هیچ اشاره‌ای به الهیات تجسّدی ندارد فراوان‌تر از بقیه نوشته‌های مسیحیان از انجیل عیسی مسیح سخن گفته شده است؟

بنابراین، همین نگاه اجمالی هم می‌تواند فی الجمله، الهام‌بخش این معنا باشد که اصطلاح «انجیل» در عهد جدید، بیشتر با نظریه قرآن، هم‌خوانی دارد تا با نظریه الهی‌دانان مسیحی. با نگاهی به نوشته‌های موجود عهد جدید می‌توان به مواردی دست پیدا کرد که به وجود انجیلی با وصف قرآنی اذعان دارند. به عبارت دیگر، در برخی از آیات عهد جدید، معنای لفظ «انجیل» به آموزه‌های الهی وحی شده به عیسی نزدیک‌تر است تا مفهوم مسیحی آن.

بطور کلی، موارد کاربرد واژه انجیل در عهد جدید را می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد:

۱- آیاتی که در آنها، لفظ انجیل صرفاً، در معنای لغوی و به معنای «بشارت» و «اعلام خبر خوش» به کار رفته است. به طور مثال، در انجیل لوقا آمده است: «فرشته در جواب گفت که من جبرائیل هستم که در حضور خدا می‌ایستم و فرستاده شدم تا به تو سخن گویم و از این امور تو را مژده دهم» (لوقا، ۱: ۱۹). این آیه و آیات قبل از آن داستان زکریای نبی را ذکر می‌کند، آن هنگام که فرشته به او مژده فرزندش یحیی را داد. در این آیه، انجیل با معنای لغوی‌اش به کار رفته است.

۲- آیاتی که در آنها، لفظ «انجیل» با مفهوم قرآنی، سازگارتر به نظر می‌رسد. برای مثال، در رساله دوم پولس به کلیسای تسالونیکیان، می‌خوانیم: «در آتش، مشتعل و انتقام خواهد کشید از آنانی که خدا را نمی‌شناسند و انجیل خداوند ما، عیسی مسیح، را اطاعت نمی‌کنند» (دوم تسالونیکیان، ۱: ۸). به کار بردن فعل «اطاعت کردن» در مورد انجیل با اصطلاح قرآنی سازگار است که انجیل را وحی الهی دانسته که مشتمل بر احکام و مواعظ است و وظیفه مردم اطاعت از آنهاست. اما انجیل به معنای مسیحی‌اش یک آموزه الهیاتی است که تنها جنبه معرفتی دارد و اصلاً، جنبه اطاعت و فرمانبرداری در آن وجود ندارد.

۳- آیاتی که قرینه‌ای دال بر تعیین مفهوم انجیل قرآنی یا مسیحی در آنها وجود ندارد. به طور مثال، در رساله کولسیان آمده است: «این به شرطی میسر است که به طور کامل، به حقیقت، ایمان داشته باشید و در آن، محکم و ثابت بمانید و نگذارید امیدی که به هنگام شنیدن پیغام انجیل در شما، به وجود آمد، متزلزل شود. این همان پیغامی است که به گوش تک تک شما رسید و اکنون نیز به سراسر دنیا می‌رسد و من، پولس، افتخار دارم آن را به دیگران اعلام نمایم» (کولسیان، ۱: ۲۳). در این دو آیه، واژه «انجیل» با هر دو مفهوم مسیحی و قرآنی از انجیل سازگار است. بنابراین، نمی‌توان با این گونه آیات از عهد جدید نظریه مسیحیان در باب انجیل را تقویت کرد.

۴- آیاتی که انجیل در آنها، با مفهوم مسیحی سازگارتر است. به طور مثال، در رساله اول پطرس آمده است: «به همین جهت، پیغام انجیل حتی به مردگان یعنی به کسانی که به هنگام طوفان نوح مردند، اعلام شد تا به این ترتیب، روحشان بتواند مانند خدا زنده بماند؛ گرچه جسماً، به مجازات مرگ رسیدند» (اول پطرس، ۴: ۱۷). ظاهراً، انجیل در این آیه با مفهوم مسیحی‌اش سازگارتر است؛ چرا که مسیحیان انجیل را پیام نجات‌بخش عیسی می‌دانند که بشریت را پس از آن که به خاطر گناه آدم به مرگ محکوم شده بودند به حیات جاوید بشارت داد.

جدول زیر بسامد کاربرد واژه «انجیل» را در هر یک از کاربردهای چهارگانه فوق نشان می‌دهد:

جدول شماره ۶- بسامد واژه انجیل:

معنای لغوی	۲۲
سازگار با انجیل قرآنی	۳۸
سازگار با انجیل مسیحی	۱
عدم دلیل بر تعیین انجیل قرآنی و یا مسیحی	۵۷

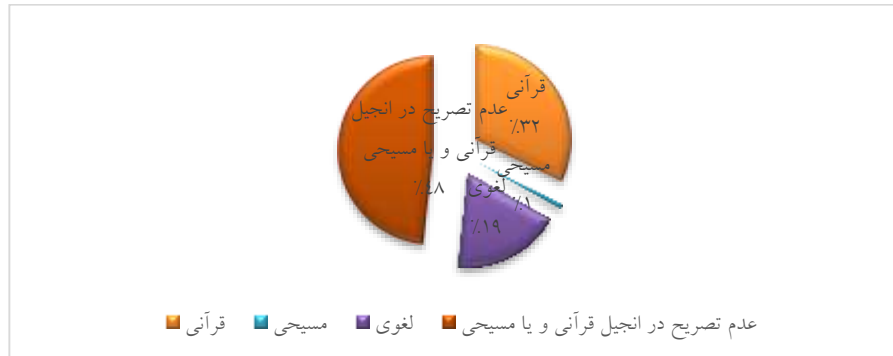
بررسی‌های به عمل آمده نشان می‌دهد کاربردهای انجیل در سراسر نوشته‌های عهد جدید، فرضیه مسیحیان در مورد حقیقت انجیل را تأیید نمی‌کند و کمترین شمار کاربرد از این واژه در متون عهد جدید محتمل مراد بودن این معناست. نتیجه موارد کاربرد به صورت اجمالی و تفصیلی، در جداول ذیل آمده است. از این موارد، چنین برداشت می‌شود که از این چهار نوع کاربرد، تنها یک مورد (رساله اول پطرس، ۴: ۱۷) با فرضیه مسیحیان، هم‌خوانی دارد؛ ۲۲ مورد

در معنای لغوی به کار رفته است؛ ۳۸ مورد با نظریه قرآن سازگاری دارد، و در ۵۷ مورد قرینه معینی که تأییدی بر فرضیه مسیحیان و یا نظریه قرآنی در مورد انجیل باشد، وجود ندارد. با توجه به این که از نظر عهد جدید، حضرت عیسی (ع) پیامبر بوده است (متی، ۱۳: ۵۷-۵۸؛ متی، ۲۱: ۱۰-۱۱) و خود تصریح کرده که آنچه می گوید و انجام می دهد از جانب خداست و نه خود او (یوحنا، ۷: ۱۷-۱۵؛ ۱۴: ۲۴)، و با توجه به این که سخنان او در عهد جدید حاوی مواعظ و احکام الهی است (برای نمونه، بنگرید به: متی، ۵: ۲۷-۴۴) که در کنار تورات حضرت موسی (ع) کارکردی تکمیلی داشته است (متی، ۵: ۱۷)، می توان گفت که مراد از انجیل عیسی مسیح (ع) را در مواردی هم که به صورت مطلق آمده و صراحتی بر هیچ کدام از دو فرض ندارد، باید حمل بر اصطلاح قرآنی کرد؛ چرا که ادعای قرآن هم بیش از این نیست که عیسی (ع) پیامبر بوده و از خداوند، وحی دریافت می کرده است و این وحی حاوی هدایت و مواعظه و احکام بوده است.

جدول شماره ۷- نتیجه موارد کاربرد «انجیل» در عهد جدید

نام کتاب	لغوی	قرآنی	مسیحی	محتمل قرآنی و مسیحی
متی	۲	۲	*	۱
مرقس	*	۴	*	۴
لوقا	۴	۴	*	*
اعمال	۷	۲	*	۲
رومیان	۲	۶	*	۶
قرنتیان ۱	*	۴	*	۹
قرنتیان ۲	*	۵	*	۵
غلاطیان	۴	۷	*	۳
افسیان	۱	۱	*	۳
فیلیپان	*	*	*	۹
کولسیان	*	*	*	۲
تسالونیکیان ۱	*	۱	*	۵
تسالونیکیان ۲	۱	۱	*	*
تیموتاوس ۱	*	*	*	۱
تیموتاوس ۲	*	۱	*	۲
فلیمون	*	*	*	۱
عبرانیان	۱	*	*	*
اول پطرس	*	*	۱	۳
مکاشفه	*	*	*	۱

نمودار شماره ۱- نمودار توزیع فراوانی کاربرد "انجیل" در عهد جدید



نتیجه گیری

با توجه به بررسی‌های انجام شده، می‌توان بر موارد زیر به عنوان نتایج پژوهش تأکید کرد:

۱- انجیل در الهیات مسیحی به مژده نجات و حیات جاودانی گفته می‌شود که مسیح (ع) برای نوع بشر به ارمغان آورد. مسیحیان بر این باورند مسیح از یک سو با تحمل دردها و مصائب، و از سوی دیگر به صلیب آویخته شدن، کفاره گناه اولیّه انسان شد و زندگی جاودانی را برای آنان به ارمغان آورد.

۲- قرآن کریم انجیل را هم‌ردیف با تورات و خود قرآن آورده است. یادکرد انجیل در هشت مرتبه به صورت معطوف به تورات، نشانه آن است که انجیل در میان پیروان اولیّه حضرت عیسی (ع) همان شأنی را داشته که تورات در یهودیت. بنابراین، مسلمانان مطابق بیان قرآن، انجیل را کتابی وحیانی می‌دانند که خداوند آن را بر حضرت عیسی (ع)، نازل کرده است. همان‌گونه که تورات را بر حضرت موسی (ع) وحی کرده است.

۳- مکتوبات مسیحی با نام اناجیل، پس از عروج حضرت عیسی (ع) و توسط شاگردان ایشان - یا حتی کسانی از نسل‌های بعدی - نگاشته شده است. البته از آغاز، نام انجیل بر این نوشته‌ها اطلاق نمی‌شده، و تا اواخر سده دوم میلادی به «خاطرات رسولان» مشهور بوده است.

۴- در نوشته‌های قانونی عهد جدید، کلمه انجیل به صورت مکرر به کار رفته است که بطور قطع، مراد آنها اناجیل اربعه و مانند آن نیست؛ چرا که در زمان کاربرد این واژه در برخی از متون، مانند نوشته‌های پولس، اساساً، این اناجیل وجود خارجی نداشتند و نوشته‌های پولس مقدم بر این اناجیل است. همچنین، خود اناجیل اربعه و نویسندگانشان از انجیل عیسی مسیح سخن

گفته‌اند. بنابراین، کمترین احتمال هم وجود ندارد که منظور آنها، کتاب‌های خودشان یا امثال آن بوده باشد.

۵- کلمه انجیل با بیشترین فراوانی در نخستین نوشته‌های بر جا مانده از مسیحیان، یعنی رساله‌های پولس به کار رفته است و در انجیل یوحنا که نوشته‌ای کاملاً متأخر و الهیاتی‌ترین انجیل است، این واژه مشاهده نمی‌شود. این امر نشان می‌دهد مراد از انجیل در متون عهد جدید، اصطلاح الهیاتی آن نیست؛ چرا که اگر چنین بود، باید این اصطلاح در متون پسین بیشتر به کار می‌رفت. اما در میان نوشته‌های متأخر، کمترین کاربرد را داراست و حتی در الهیاتی‌ترین نوشته عهد جدید یعنی انجیل یوحنا - که در آن موضوع تجسد و فداء نیز مطرح شده است - حتی یک کاربرد هم وجود ندارد.

۶- مجموع بسامد اصطلاح «انجیل» در عهد جدید نشان می‌دهد که ۴۸ درصد موارد، هیچ صراحتی در مفهوم انجیل قرآنی یا مسیحی ندارد؛ ۳۲ درصد تنها با انجیل قرآنی سازگار است و در ۱۹ درصد موارد، انجیل در معنای لغوی‌اش استعمال شده است.

۷- از آنجا که بسیاری از کاربردهای واژه انجیل در عهد جدید، با مفهوم قرآنی‌اش همخوان است، می‌توان این احتمال را قوی انگاشت که کاربردهای مطلق لفظ انجیل نیز به همان معنا و مراد یاد شده در قرآن کریم باشد.

۸- از میان کاربردهای واژه انجیل در عهد جدید، تنها یک مورد ظهور در مفهوم انجیل مسیحی دارد.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم؛ ترجمه: ناصر مکارم شیرازی، قم: انصار المهدی، ج ۲، ۱۳۸۵ ش.
۱. آشتیانی، جلال‌الدین؛ *تحقیقی در دین مسیح*؛ ج ۳، تهران: نگارش، ۱۳۸۹ ش.
 ۲. بوکای، موریس؛ *التوریه والانجیل والقرآن والعلم*؛ ترجمه: حسن خالد، بیروت: المکتب الإسلامی، ۱۹۹۰ م.
 ۳. توفیقی، حسین؛ *آشنایی با ادیان بزرگ*؛ ج ۷، تهران: انتشارات سمت و مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۴ ش.
 ۴. رابرتسون، آرچیبالد؛ *عیسی اسطوره یا تاریخ*؛ ترجمه: حسین توفیقی، قم: دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۷۸ ش.
 ۵. زیبایی‌نژاد، محمدرضا؛ *درآمدی بر تاریخ و کلام مسیحیت*؛ قم: انتشارات اشراق، ۱۳۷۵ ش.
 ۶. سلیمانی اردستانی، عبدالرحیم؛ *کتاب مقدس*؛ قم: آیت عشق، ۱۳۸۲ ش.
 ۷. شاکر، محمدکاظم؛ *«انجیل با دو قرائت»*؛ پژوهش‌های فلسفی کلامی، شماره ۲۴، تابستان ۱۳۸۴ ش.
 ۸. شاکر، محمد کاظم، اسدی، علی؛ *«انجیل»*؛ جلد ۴، *دائرة المعارف قرآن کریم*؛ قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۳ ش.
 ۹. شمس، محمد؛ *سیر تحول کتاب مقدس*؛ قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۹ ش.
 ۱۰. الشیخ، علی؛ *الصحيح من إنجيل المسيح*؛ بی‌جا، بیروت: مؤسسة الكوثر للمعارف الاسلامیة، ۱۴۲۵ ق.
 ۱۱. طباطبایی، سیدمحمد حسین؛ *المیزان*؛ ترجمه: سید محمدباقر موسوی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ ق.
 ۱۲. *کتاب مقدس*؛ مترجم: رابرت بروس، کارایت اوناس، ج ۲، بی‌جا: بی‌تا.
 ۱۳. لوفمارک، کارل؛ *کتاب مقدس چیست؟*؛ ترجمه: محمدکاظم شاکر، تهران: دستان، ۱۳۸۵ ش.
 ۱۴. مک‌الوی، ویلیام؛ *تاریخ کلیسای قدیم در امپراطوری روم و ایران*؛ ترجمه: علی نخستین، تهران: اساطیر، ۱۳۸۲ ش.
 ۱۵. میشل، توماس؛ *کلام مسیحی*؛ ترجمه: حسین توفیقی، قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۸۷ ش.
 ۱۶. واحد تدوین کتب درسی؛ *شناخت ادیان*. قم: سازمان حوزه‌ها و مدارس علمیه خارج از کشور، ۱۳۸۰ ش.
17. Brenda E, Brasher, *Encyclopedia Of Fundamentalism (E. F.)*, New York: Routledge, 2001, p 193 _ 194. "Gospel".
18. Gale ,Thomson, *New catholic encyclopedia (N. C. E.)*, Second Edition, USA: Catholic University of America, 2003, Vol 6, p 366 _ 367. "Gospel".
19. MacDonald, William, *Believer's Bible Commentary*, First Edition, Nashville: Thomas Nelson, 1995.
20. Lofmark, Carl, *What is the Bible*, Rationalist Press Association, London: 1990.
21. writing under the supervision of five editors: "Charles G. Herbermann; Edward A. Pace; Condé B. Pallen; Thomas J. Shahan; John J. Wynne, S. J", *Catholic Encyclopedia*, New York: Robert Appleton Company, 1912, Vol 5. , p 223. "Dispersion of the Apostles".

